

دلایلی از ۴ گوشه جهان در افشای نقش ضد ملی حاکمیت ج.ا

۱- مقاله خبری - تحقیقی جالبی را در این شماره راه توده می خوانید. این مقاله در رابطه با "لابی" های اسرائیل در امریکاست و در آن نکات بسیار مهمی مطرح می شود، که با جنجال آفرینی های رایج در جمهوری اسلامی بسیار متفاوت است. در این مقاله در باره اسرائیل و صهیونیسم و نفوذ آن در جهان - بویژه در امریکا - سخن گفته می شود. مقاله را پیش از این سرمقاله خوانده اید و یا پس از آن خواهید خواند. بنابراین بحث ما در اینجا توصیف و تبلیغ آن مقاله نیست. تنها، از آنجا که ممکن است آقایانی در جمهوری اسلامی تصور کنند، مثلاً احمدی نژاد و یا رهبر و یا مصباح و یا احمد جنتی هم همین حرف ها را می زنند، می خواهیم درباره یکی از گرهی ترین مسائل مطرح شده در این مقاله بیشتر سخن بگوئیم و روی آن نورافکن روشن کنیم، تا اختلافی که در این نگاه به اسرائیل و نگاهی که در جمهوری اسلامی به اسرائیل وجود دارد مشخص تر شود. این بخش، دو خط بیشتر نیست و در متن مقاله نیز با رنگ قرمز برجسته شده است. آنجا که نویسندگان مقاله تحقیقی، کمک اسرائیل به پیروزی "حماس" در فلسطین را مطرح می کنند و این که اسرائیل تا چه اندازه نیازمند این پیروزی و اصولاً این نوع رویدادهای سیاسی در منطقه است، تا بتواند به رهبری سیاست خارجی امریکا ادامه بدهد. بحث ما، درست در همینجاست. یعنی نیازهای تبلیغاتی اسرائیل در سطح جهان و نقش سازمان های جاسوسی و اطلاعاتی آن از یک طرف و پولی که در این راه خرج می کنند.

حال باید بازگشت به ایران و به دولت احمدی نژاد و با صراحت پرسید: روی کار آمدن این دولت و سخنانی که احمدی نژاد می گوید و به همراه برخی فرماندهان سپاه و بسیج، اسرائیل را تلویحاً تهدید به موشک های مجهز به کلاهک اتمی می کنند، ادامه همان توطئه و اهداف اسرائیل برای روی کار آوردن حماس در فلسطین نیست؟ حتی اگر ۱۰ درصد این حدس و گمان قابل تامل باشد، نباید نگاهی به درون حاکمیت کنونی کرد؟ و پیش از آنکه ویرانی تازه ای گریبان کشور را بگیرد و کشتار هولناکی به ملت تحمیل شود، چاره ای اندیشید؟

۲- در همین شماره راه توده، مصاحبه ای را می خوانید با دختر چه گوارا، انقلابی امریکای لاتین. او در این مصاحبه و آنجا که درباره دلایل مقاومت ملت کوبا و شکست خوردن انقلاب این کشور - حتی پس از حادثه مهیب فروپاشی اتحاد شوروی - سخن می گوید، می رسد به این نکته بسیار مهم، که "آگاهی" بزرگترین سنگر یک ملت برای دفاع از انقلاب خویش است.

درباره آنها که در جمهوری اسلامی مردم را با شعار فریب می دهند، سخنی نداریم، اما خطاب به آن نیروهای صادقی که در چهره دولت کنونی بارقه های انقلابی می بینند باید پرسید: نام ترویج خرافات و تلاش برای تحمیق مردم و بی خبر نگهداشتن مردم از مهم ترین و سرنوشت سازترین تصمیمات برای کشور، به چنگ گرفتن گلوی مطبوعات و تبدیل صدا و سیما به بلندگوی دروغ و خرافه "آگاهی" است؟

۳- در همین شماره راه توده، مصاحبه دیگری می خوانید از رئیس جمهور آینده کشور "پرو" در امریکا لاتین. او که یک انقلابی است، می آید تا پرو را به جرگه کشورهای دارای

حکومت های متمایل به چپ در امریکای لاتین وصل کند. خبرنگار از او می پرسد: برنامه دولت شما در آینده چیست؟

پاسخ می دهد: مقابله با نئولیبرالیسم (بخوانید امریکا و سرمایه داری جهانی)، دفاع از ناسیونالیسم (ملی گرایی) و برقراری دموکراسی.

حال باید نگاه را به درون ایران برگرداند و به عملکرد دولت کنونی، به سخنان رهبری که مدعی است نسل اول انقلاب ریزش کرده و نسل دوم را ایشان پرورش داده و به میدان فرستاده است. (خطبه نماز جمعه تهران)

این نسل دوم که اکنون بعنوان آبادگران، تحت نام نماینده مجلس، با نام وزیر و مدیرکل و کارگزار دولت احمدی نژاد وارد صحنه شده اند، اگر انقلابی اند، کجاست مقابله آنها با نئولیبرالیسم غارتگر جهانی؟ پس چرا با ناسیونالیسم و ملی گرایی مقابله می کنند و چرا آزادی و دموکراسی را سرکوب می کنند؟

۴- باز گردیم به مقاله دیگری در همین شماره راه توده. به تحقیق بسیار ارزنده ای که یکی از رهبران حزب کمونیست فرانسه درباره دلائل رشد و قدرت گیری فاشیسم در اروپا و نازیسم و هیتلر در آلمان کرده است. این تحقیق را ما بتدریج ترجمه و روی سایت راه توده منتشر کرده و ادامه می دهیم. در بخشی که در همین شماره راه توده منتشر کرده ایم، تمرکز اصلی روی مقابله ایست که هیتلر با هر گونه سازمان کارگری در آلمان کرد و یگانه شکل کارگری را همان تشکلی اعلام داشت که در خدمت جنگ و فاشیسم بود.

حالا، باز هم نگاه را برگردانیم به ایران. این ستیز وحشیانه و سازمان یافته علیه سندیکا، بی اعتنائی به اعتراضات کارگری و سرکوب آنها در صورت تظاهر بیرونی و نقشی که به وزیر جدید کار داده شده تا حتی سازمان های کارگری مجاز و تقریبا حکومتی در ۲۷ ساله گذشته را منحل کرده و یک تشکل حکومتی با نام " کانون کارگران اسلامی" در کنار دولت جنگی بوجود آورد، نامش انقلاب است؟ کوبا و ونزوئلا هم اینگونه در برابر امریکا ایستاده اند؟ نباید تردید کرد که کل ماجرای حاکم و هدایت کشور بسوی یک جنگ تازه، کار همان هائی است که نیاز به روی کار آمدن "حماس" در فلسطین داشتند؟

حتی همین مجموعه نباید همه نیروهای سیاسی - حتی منتقدان محتاط در پیرامون و داخل حاکمیت - را به اندیشه وادارد که پیش از فاجعه چاره ای باید اندیشید؟